

اهمیت نقش خانواده در جلوگیری از آسیب های اجتماعی کودکان

زمانه امین زاده^۱، رینب کریمی^۲، پروین فیاطیان^۳، آوات اقتاده^۴ و فدیه کریمی^۵

۱. کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور واحد بانه

۲. کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور واحد بانه

۳. کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه دولتی سنندج

۴. کاردانی مدیریت خانواده، آموزشکده دولتی دفترانه الزهرا تبریز

۵. کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور واحد بانه

Email: zamanehaminzadeh26@gmail.com

چکیده

خانواده متعادل خانواده ای است که حداکثر قابلیت ها و توانایی های وجودی اعضای آن کشف و مورد پرورش و توسعه قرار گیرد. چنین خانواده ای نه تنها خود شکلی ندارد بلکه در رفع آسیب های روانی و اجتماعی سایر خانواده ها گام بر می دارد. یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت و یا عدم موفقیت در زندگی، نحوه مدیریت کانون خانواده است. دانش آموزان و کودکان جزو خانواده هستند و نیاز به آرامش فراوان در محیط خانواده دارند. ما در این تحقیق که به شیوه مروری و کتابخانه ای انجام شده است به بررسی آسیب های اجتماعی کودکان می پردازیم. هدف اصلی تحقیق حاضر اهمیت نقش خانواده در جلوگیری از آسیب های اجتماعی کودکان است. نتایج نشان داد جوامعی که به نظام تعلیم و تربیت به عنوان عامل بازدارندگی و کاهش آسیب های اجتماعی توجه دارند موفقیت مطلوب تری را کسب نموده اند. در این مرحله، دیگر والدین نمی توانند به او کمک چندانی بکنند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جستجو می کند.

کلیدواژه ها: کودکان، خانواده، آسیب اجتماعی، نقش خانواده

۱- مقدمه

نسل امروزی نسلی است که رگبار تبلیغات گوناگون تحت عنوان پیشرفت، ترقی، تمدن روز، مدرنیسم و... او را از هر حیث تحت محاصره قرار داده و نمی‌گذارد که در ورای این چهارچوب‌ها بیندیشد و اگر این چهارچوب‌ها منطقی و در جهت هدفی عالی دنبال نشود در آینده دنیای به وجود خواهد آمد که دنیای درگیری، اختلاف، توسعه طلبی‌ها، رقابت‌های خطر آفرین، سبقت جویی‌های بی حساب، دنیای عدم اعتماد به هم و دنیای ناروایی‌ها خواهد بود. مگر آنکه مسئولان جامعه، مصلحان، مربیان و مهمتر از همه خانواده‌های متعهد در این باره فکری بکنند و با اتکای بر تعالیم مکتب الهی، زمینه را به گونه‌ای فراهم کنند که نسل راه خدا گیرد و موجبات پایان دادن به نابسامانی‌ها فراهم آید زنان حدوداً نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و اگر این نیروی عظیم توانایی خود را باور کند و مسئولیت خود را بشناسد و آگاه باشد که سنگ بنای جامعه با گفتار و رفتار ریز و درشت او گذاشته می‌شود و اوست که می‌تواند با نحوه عمل خود انسانی بسازد که خودش و جامعه را به اوج عزت یا فقر لذت برساند، آنگاه به مسئولیت خطیر خود پی خواهد برد. هر جامعه‌ای با انواعی از آسیب‌ها و انحرافات روبروست، کارکرد مهم خانواده آموزش زندگی اجتماعی به فرزندان و انتقال تجربه‌های بدست آمده در طول زندگی است و این کارکرد سبب نگهداری فرزندان از خطرهای طبیعی و اجتماعی است. چنانچه والدین آگاهی خود در زمینه شناخت انحرافات و راه‌های پیشگیری از آنها را افزایش دهند می‌توانند مانع آسیب دیدگی خانواده شوند و مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی هموار خواهند کرد.

۲- پیشینه تحقیق

مقالات و کتابهای بسیاری در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر نگاه داشته شده که به عنوان نمونه مواردی ذکر می‌گردد:

- طاهری، فخرالسادات و روحانی، فرامرزی، مطالعه نقش کار آفرینی زنان در کاهش آسیبهای اجتماعی، مقاله ارائه در کنفرانس ملی کار آفرینی در دانشگاه مازندران.
- عبداللهی، محمد، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران، جلد اول، نشر آگه.
- بیرامی، منصور، خانواده و آسیب شناسی آن، ۱۳۷۸، انتشارات آیدین.
- محسنی، رضاعلی، تحلیل جامعه شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیبهای اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال دوم.

۳- خانواده متعادل

خانواده متعادل خانواده‌ای است که حداکثر قابلیت‌ها و توانایی‌های وجودی اعضای آن کشف و مورد پرورش و توسعه قرار گیرد. چنین خانواده‌ای نه تنها خود شکلی ندارد بلکه در رفع آسیب‌های روانی و اجتماعی سایر خانواده‌ها گام بر می‌دارد. یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت و یا عدم موفقیت در زندگی، نحوه مدیریت کانون خانواده است. یک خانواده متعادل بصورت یک حوزه متشکل و وحدت یافته و منتظم اداره می‌شود، تصمیمات و اندیشه‌ها به سوی یک کانون جهت گیری می‌شود و مرکزیت مقتدر و متحدی بوجود می‌آید. زن و شوهر به مرور زمان به قطب واحدی در تصمیم گیری و هدایت زندگی تبدیل می‌شوند. چنین کیفیتی به همگرایی موسوم است (شرفی، ۱۳۸۶، ۳۳). همگرایی موجب می‌شود در مواردی که مصلحت زندگی باشد منفعت شخصی کنار گذارده شده و مصلحت خانواده بر آن ترجیح داده می‌شود و خواسته‌های فردی فدای پیشبرد اهداف خانوادگی خواهد شد. بیشتر مواقع همگرایی در روابط زو جین با یکدیگر قابل حصول است اما در زمینه بر خورد با فرزندان به واگرایی می‌رسند که در این موارد لازم است لجاجت در روابط به رفاقت تبدیل شود و برای بدست آوردن رفاقت در زندگی اولین گام پذیرش همسر است، آنگونه که هست آن را بپذیریم نه آنچنان که می‌خواهیم باشد. پذیرش شامل شخصیت، افکار، علایق و سهم او در مدیریت زندگی است.

۴- نقش مدیریتی زن در خانواده:

نقش مدیریتی زن به معنای نگهدارنده امکانات، استعدادها و انرژی‌های موجود در خانواده و هدایت آنها در جهت رشد و تعالی و شکوفایی استعداد اعضای خانواده است که ثمره آن استحکام بنیانهای خانواده و ایجاد جامعه‌ای سالم است. احساسات

زن مادرانه است و این حالت از دوران کودکی در او نمودار است، علاقه زن به خانواده و توجه نا آگاهانه او به اهمیت کانون خانوادگی بیشتر از مرد است (مطهری، ۲۰۷، ۱۳۷۰). زن بی آنکه نیاز به تفکر داشته باشد می‌داند که تنها اصلاحات سالم از خانه بر می‌خیزد. مهم‌ترین ویژگی زن که تمام خصوصیات فرعی او بر اساس آن استوار است، شدت عواطف یا "دگر خواهی" در وجود او می‌باشد. زن به طور فطری و طبیعی به محور عواطف نزدیکتر و به همان نسبت از خود خواهی و توجه به خود دورتر است تا آنجا که می‌توان گفت مدار زندگی زن را دگر خواهی یا توجه به غیر تشکیل می‌دهد. زنان نقش محوری و اصلی در تأمین آرامش خاطر در کانون خانواده دارند و این مسؤلیتی است که آفرینش بر عهده آنان گذاشته است (اسماعیلی، ۵۳، ۱۳۸۰). مؤثرترین نوع مدیریت در جهان امروز مدیریت بر دلها است.

۵- دیدگاه اسلام نسبت به حضور زن در جامعه

دین اسلام به سلسله‌ای از عبادات، کار، پند و اندرزهای اخلاقی منحصر نیست. دین نه تنها روابط میان خالق و مخلوق را بیان می‌کند بلکه خطوط اصلی روابط انسانها، حقوق و وظایف آنها در اجتماع نسبت به یکدیگر را نیز عرضه می‌دارد. به طور کلی اسلام عنصر بنیادین حیات فردی و اجتماعی مسلمانان را تشکیل می‌دهد؛ از این رو فهم جایگاه انسان و به تبع آن جایگاه و نقش اجتماعی زنان مسلمان در گرو شناخت جهان بینی اسلام است. تنها در این صورت است که می‌توان به ارزشهای تعیین کننده پایگاه زن مسلمان دست یافت. بدون شک، تشکیل و اداره خانواده و پرداختن به امور زندگی تنها وظیفه شرعی زن در اسلام نیست، اگرچه بزرگترین و مهمترین وظیفه است و برای پایداری و سلامت خانواده، شرط اصلی و اساسی به شمار می‌رود، اما این به معنای نفی دیگر وظایف و نقش‌های اجتماعی و حتی سیاسی برای بانوان نیست. مقامی که اسلام برای زن به موازات مرد در تمام مشترکات طبیعی و توانایی‌ها مقرر داشته است این امکان را به زن می‌دهد که تا در حد احترام به تکالیف شرعی و مسؤلیت‌های زناشویی و خانوادگی، در فعالیت‌های سیاسی نیز وارد شود (کردوانی، ۱۳۸۷). اما اسلام شروطی را برای حضور زن در عرصه‌های گوناگون اجتماعی - سیاسی برشمرده که در صورت رعایت آنها، منعی برای مشارکت بانوان در مسائل جامعه نیست. از نگاه قرآن کریم و روایات اسلامی، این آداب عبارت است از حفظ پوشش مناسب، پرهیز از خودآرائی، وقار در رفت و آمد، پرهیز از دست دادن زن و مرد.

۶- دیدگاه امام خمینی درباره مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان

در لابه لای گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی در دوران مبارزه و دو دهه اول انقلاب به موارد بسیاری بر می‌خوریم که حاکی از نظر مساعد ایشان نسبت به مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان است. پس از پیروزی انقلاب نیز ایشان طی سخنانی که به مناسبت‌های گوناگون ایراد فرموده‌اند سهم چشمگیر زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ و نیز لزوم مشارکت اجتماعی زنان در جامعه اسلامی را مورد تصریح قرار داده‌اند. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان در مورد آزادی زنان فرموده‌اند "زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است." در خصوص حقوق زنان نیز فرموده‌اند "در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن در تمام جهانی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. لیکن هم در مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل آنکه مفسده می‌آفریند، حرام است." همان گونه که ملاحظه می‌شود، امام خمینی مشارکت اجتماعی زنان را با رعایت موازین اسلامی کاملاً مجاز دانسته و مورد تأکید قرار داده است. علاوه بر این ایشان در بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌های خویش، مشارکت سیاسی را برای زنان لازم دانسته است: "زن باید در مقدرات اسلامی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهیم بوده‌اید، هم اکنون هم باز باید در پیروزی سهیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید." به طور کلی از مجموع گفتارها و سخنان امام خمینی در مورد زنان بر می‌آید که ایشان تحصیل شرکت در امور سیاسی، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی را مطابق تأکید و تصریح اسلام برای زنان مجاز شمرده‌اند (عیوضی، ۱۳۹۲: ۵۷).

مجموعه نظریاتی که امام خمینی (قدس سره) در فرایند پیروزی و سپس استقرار نظام جمهوری اسلامی درباره مشارکت سیاسی زنان ابراز زن باید دارای حقوق مساوی با مرد باشد. اسلام بر تساوی «کردند، نقطه عطفی در مباحث مربوط به این قضیه پر اهمیت است؛ ایشان می‌فرمایند: (زن باید دارای حقوق مساوی با مرد باشد. اسلام بر تساوی زن و مرد تکیه کرده است و به هر دو آنها حق تعیین سرنوشت داده است. یعنی اینکه باید از همه آزادی‌ها بهره مند باشد؛ آزادی انتخاب کردن، انتخاب شدن، آزادی آموزش خویش و کارکردن و مبادرت به هر نوع فعالیت اقتصادی (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۳۴).

ایشان مکرر زنان را تشویق به شرکت در انتخابات می‌کردند: (آنچه که لازم است تذکر دهم، شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در رفتارند است. زنانی که در کنار مردان، بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند، توجه داشته باشند که با شرکت امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان، در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: (زن و مرد احکام خاص خود را دارند. البته، یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است. یک احکام خاص به زن است و متناسب با زن است. این به آن معنا نیست که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است (همان، ۱۴۹). از نظر فعالیت‌ها و مسؤلیت‌های اجتماعی، زن باید در اقدامات اساسی مملکت دخالت کند، نه اینکه در خانه بنشیند و از آن بیرون نیاید. در اینجا به بخشی از فعالیت‌های زنان در انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنیم:

۱. شرکت در تظاهرات خیابانی: یکی از فعالیت‌های اثرگذار و چشمگیر زنان در انقلاب اسلامی حضور فعال و باشکوه آنها

همراه با رعایت ارزشهای دینی در تظاهرات خیابانی بود.

۲. برگزاری جلسات سیاسی: یکی از فعالیت‌های مهم زنان انقلابی فعالیت‌های سیاسی بود. مبارزان زن انقلابی در

زندان‌های رژیم پهلوی مانند مردان شکنجه می‌شدند یا به شهادت می‌رسیدند. زنان در زمان انقلاب جلسات سیاسی برپا می‌کردند و در سخنرانی‌های سیاسی، که تعداد این جلسات سیاسی در شهرهای مختلف کم نبود، شرکت فعالانه داشتند و بر آگاهی سیاسی و انقلابی خود می‌افزودند.

زنان، بعد از انقلاب اسلامی، با حمایت هم‌جهانبه و حضور در صحنه‌های سیاسی اعم از راهپیمایی‌ها، انتخابات، دفاع از انقلاب و حضور در جبهه‌های نبرد و پشت جبهه از این میراث گرانبهای اسلامی اجتماعی دفاع کردند و علاوه بر وظیفه مادری و همسری خود، با حضور در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دوام و بقای انقلاب را تضمین کردند. بایگاری خط سیر اندیشه حکومتی و رفتار عملی امام خمینی چه پیش از انقلاب و چه پس از آن به این نتیجه می‌رسیم که امام از ژرفای عقیده و اندیشه خویش به اصل دخالت انسانها در عرصه سرنوشت، ایمان و التزام داشته‌اند. امام به این نکته دقیق توجه داشتند که بحران مشارکت، بحران مشروعیت را هم از پی خواهد داشت و نظام سیاسیای که قادر به پیشگیری از پدید آمدن بحران مشارکت نباشد، باید منتظر فرو ریختن پایه‌های مشروعیت خویش و در نهایت فروپاشی خود، باشد.

کلام جاودانه امام مبنی بر این که (میزان رأی ملت است) بهترین گواه اهتمام و اعتقاد امام به مشارکت سیاسی ملت و دخالت آنان در تعیین سرنوشت خویش است. امام در این اندیشه حکیمانه خویش متأثر از روح آیات وحی است که انسان را مسئول سرنوشت خویش و سرنوشت انسان را در گرو اراده و حرکت و اقدام خود او می‌داند. می‌رسیم به این مسأله که آیا در ضرورت مشارکت سیاسی اجتماعی، تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد یا خیر؟ سیره عملی و اسلوب فکری و میراث سخنان امام نشان می‌دهد که ایشان در این مسأله، زن و مرد را برابر می‌دیدند و بلکه به جرأت می‌توان گفت که دلگرمی امام و ارجح‌گذاری و قدردانی و تشویق ایشان نسبت به مشارکت جویی زنان بیش از مردان بوده است. امام پیروزی نهضت اسلامی ایران را بیش از هر چیز مدیون مبارزات سیاسی زنان می‌دید. تأکید امام خمینی بر نقش سازنده و ارزنده زنان در عرصه‌های سیاسی اجتماعی سبب شد تا نوعی خودباوری و اعتماد به نفس در زنان پدید آید که پیش از آن سابقه نداشت. زنان برای نخستین بار به اهمیت نقش سیاسی اجتماعی خویش واقف شدند. این وضعیت، زمینه مناسبی برای مشارکت جویی زنان بود. زنان ایرانی پس از انقلاب، در پرتو سیره و سخن امام، به صورت مثبت نسبت به ابعاد مختلف نظام سیاسی، حساسیت نشان دادند و رابطه فعالی با آن برقرار کردند. اطلاعاتشان از نقش نخبگان سیاسی جامعه فزونی یافت. تصویری روشن از جایگاه خویش در نظام سیاسی

یافتند. و به این ترتیب فرهنگ سیاسی مشارکتی در میان قشر زنان شکل گرفت. بعد از استقرار جمهوری اسلامی در ایران، متغیری به مفهوم مشارکت سیاسی افزوده شد و آن شرکت در انتخابات به عنوان یک فریضه دینی بود. این تمهید بسیار حساب شده، در واقع آن گروه از مردم و توده‌های نا آگاه سیاسی را که نه انگیزه‌هایی برای مشارکت داشتند و نه شناختی از مواضع و گرایش‌های حزبی، به عنوان تکلیف شرعی به پای صندوق‌های همه پرسی و انتخابات کشاند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۶۷). امام خمینی ابعادی از مشارکت سیاسی را به عنوان تکلیف مطرح کردند و این حقوق سیاسی را با وظایف شرعی پیوند زدند. همچنین امام خمینی مشارکت سیاسی مردم را نه فقط حق آنان که واجب شرعی و فریضه دینی می‌دانست؛ زیرا سرنوشت جامعه در گرو مشارکت افراد در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است و در این مسأله فرقی بین زن و مرد قائل نبود^۱ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۷)

در ادامه باید گفت: در انقلاب مشروطه، مشارکت سیاسی عملی به طور چشمگیری افزایش یافت و حتی زنان نیز برای اولین بار دست به فعالیت‌های سیاسی زدند. به طور مشخص در انقلاب اسلامی ایران، مشارکت سیاسی زنان به کمال رسید. در این انقلاب برای نخستین بار زنان نقشی و سهمی برابر با مردان یافتند. این انقلاب تجلی مشارکت سیاسی در ایران بود. هرچند اندک اندک از گرمی آن کاسته شد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، میزان بذل توجه به زنان و مسائل آن‌ها، مطالعات انجام شده، تحقیقات به عمل آمده و عملکردهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی در تحقق حقوق و ارتقای مقام و منزلت زنان، با هیچ دوره دیگری از تاریخ این سرزمین قابل قیاس نیست.

۷- ابعاد و زمینه‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی زن

- **حق انتخاب:** بسیاری از صاحب نظران مذهبی، دایره ریاست مرد را به حیطة امور اجتماعی و عمومی می‌کشاندند و بر این باور بودند که آیه (الرجال قوامون علی النساء) برتری جنس مرد را بر جنس زن اثبات می‌کند و از این رو زن همانگونه که در محیط خانواده تحت سرپرستی و، "الرجال قوامون علی النساء" ریاست مرد است، جنس زن هم در جامعه تحت سرپرستی مردان باید باشد و بنابر این زنان حق رأی دادن و رأی گرفتن ندارند. اما براساس اجتهاد فقهی امام خمینی، زنان حق انتخاب شدن و انتخاب کردن دارند: (شما باید در همه صحنه‌ها و میدانها آن قدری که اسلام اجازه داده وارد باشید... همان طوری که مردها فعالیت می‌کنند برای انتخابات، خانم‌ها هم باید فعالیت بکنند. برای این که فرقی بین ما و شما و دیگران در سرنوشتان نیست. سرنوشت ایران سرنوشت همه است «زن‌ها حق رأی دارند. بالاتر از غرب است این مسایلی که ما برای زنها قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۹).

- **مشارکت در سازندگی جامعه:** تأکید امام خمینی بر مشارکت زنان در سازندگی جامعه به این مفهوم است که ایشان با هرگونه فعالیت اجتماعی سیاسی زنان که اثری سازنده در عرصه جامعه داشته باشد و به غنای حرکت و حیات جامعه بیانجامد موافق بوده‌اند. سفارش‌های مکرر امام بر تداوم حضور زنان در عرصه سازندگی مهر تأییدی بود بر نظرهای ایشان که پیش از پیروزی انقلاب و عمدتاً در پاسخ خبرنگاران خارجی ابراز می‌داشتند و بر حضور زنده و سازنده زن در همه ابعاد و زوایای جامعه اسلامی تأکید می‌کردند. امام خمینی در آبان ماه ۱۳۵۷ در پاسخ سؤالی چنین بیان کردند که: زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز بیابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد. پس از انقلاب و در شهریور ۱۳۵۷ به صراحت اعلام می‌کنند که سازندگی مادی و معنوی جامعه بدون حضور زنان امکان پذیر نیست: «این آشفتگی‌ها باید به دست ما و شما، به دست ملت و (دولت، اصلاح شود) تنها هیچ کدام نمی‌توانند این کارها را درست بکنند. اگر خانم‌ها خیال کردند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند و یا مردها خیال کنند که کنار بروند و خانم‌ها این کارها را انجام بدهند و یا هر دو خیال بکنند دولت انجام بدهد و یا هر سه خیال کنند روحانیت انجام بدهد، این خیال، خیال صحیحی نیست.

- **حضور در صحنه دفاع:** یکی از موضوعاتی که امام خمینی در سخنرانی‌هایش فراوان از آن یاد کردند و آن را مورد ستایش قرار دادند، مشارکت زنان در دفاع مقدس ۸ ساله ملت ایران است. تاریخ صدر اسلام نمونه‌های فراوانی از حضور زنان در

صحنه‌های نبرد را سراغ دارد و زنان مسلمان ایرانی نیز که نقش عظیمی در به ثمر رسیدن نهال انقلاب داشتند، زمانی که شجره طیبه انقلاب اسلامی مورد تهاجم قرار گرفت از هیچ تلاش و ایثاری دریغ نوزیدند و صحنه‌هایی شگفت از مقاومت و پایداری آفریدند. شکل‌گیری سریع فرهنگ دفاع و ترویج باورها و تعمیق انگیزه‌های مرتبط با جنگ و جهاد تا اندازه زیادی رهین ایمان و صلابت و پایداری زن مسلمان و متعهد ایرانی است. حضرت امام خمینی با ارج نهادن به زحمات زنان در پشتیبانی جبهه‌های دفاع، نقش تربیتی آنان را که آموزگاران نسل آینده‌اند مورد توجه قرار می‌داد و نقش روانی و عاطفی و روحیه بخشی زنان را در سطحی فراتر از کارکرد و توانایی مردان می‌دید: آنچه «که در ایران بزرگتر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد. بانوان ایران در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه‌ها مشغول فعالیت هستند، سهم آنها بیشتر از دیگران است. چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خرد سالانیشان و چه تربیت‌هایی که در کلاسها و جاهای دیگر مجالس دارند، باز سهم بزرگی در این انقلاب دارند. عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان است و در مردها این عواطف نیست و لهذا آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می‌شود، به موجب عواطفی که بانوان دارند آنها برای جبهه کارهای بسیار مفید انجام داده‌اند و انجام می‌دهند.

درباره تکلیف شرعی زن در مسأله دفاع، دیدگاه فقهی امام همانند دیگر فقها تفاوتی بین زن و مرد نمی‌گذارد و زنان را هم مکلف به دفاع به اندازه توان می‌داند: «اگر به کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ این جا دیگر شرطی نیست واجب است که دفاع کنند و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد. باید دفاع بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۶:۲۰۰).

- **حق تعلیم و تعلم:** موضوع سواد آموزی زن در جامعه ایران از دیرباز با موانع فرهنگی متأثر از سوء برداشت‌های دینی و یا متأثر از شرایط و اوضاع زمانه روبه‌رو بوده است. اصولاً انجام هرگونه فعالیتی که مستلزم خروج زن از خانه و حضور او در عرصه اجتماعی می‌شد، به سختی ممکن بود. مخالفان حضور زن در عرصه فعالیت اجتماعی و از جمله تعلیم و تعلم، به برخی از متون مذهبی استناد می‌جستند که یا در وثاقت آن و یا در درستی تعمیم آن به همه اعصار تردید جدی وجود دارد ترس شدید از علم آموزی و اجتماعی شدن زن حکایت از تصویری مالیخولیایی نسبت به زن دارد. مخالفان می‌پنداشتند که توانایی زن به خواندن و نوشتن همان و انحراف او از جاده عفت و سلامت همان. حتی سفارش می‌شد که زنان فقط باید خواندن قرآن را بیاموزند و از قرآن هم سوره یوسف استثنا شده بود. یعنی این که زنان سوره یوسف را نخوانند که مبدا وسوسه شوند و... وقتی که نسبت به خواندن معنوی‌ترین و مقدس‌ترین و عفت‌آموزترین مطالب، چنین بیم‌ارگونه و ناروایی بر زنان می‌رفته است، تکلیف دیگر مطالب روشن است.

راهی که چنین پنداشت‌هایی برای حفظ عفت و کرامت زن پیشنهاد می‌کند راه ممنوعیت و محرومیت زن از هرگونه حضور در خارج از چهار دیوار خانه و بستن همه پنجره‌های آگاهی و فهم و دانش و معرفت به روی اوست. اما در مقابل این نگرش سنگواره‌ای، بسیاری از عالمان اسلامی، شرافت علم آموزی را برای زنان و مردان برابر می‌دانسته و می‌دانند.

سیره عملی امام خمینی از سالها پیش از انقلاب و تشویق دخترانشان به تحصیل دانش، نشان می‌دهد که ایشان علم آموزی را حق طبیعی زنان می‌دانستند و تبعیض جنسی در تحصیل مطلق علوم را ناروا می‌شمردند. ایشان تصریح کرده‌اند که «علوم مطلقاً خصوصاً علوم اسلامی اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می‌توانند حتی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خدمات ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند (همان، ص ۸۱).

۸- ساختار خانواده

خانواده، برای رسیدن به کارکردهایی که برشمرده شد مانند هر نهاد دیگری نیازمند ساختار است. در نگاه جامعه‌شناسان غربی، ساختار خانواده، مدل ثابت و مرجحی ندارد؛ به طور طبیعی به تبع تغییرات اجتماعی، تغییر کرده و منجر به تغییر در کارکردها می‌شود لذا به عنوان مثال از نگاه ایشان، تغییر ساختار مدیریت در خانواده از نظام طولی به نظام عرضی و دموکراسی که زن و مرد و فرزندان را از لحاظ قدرت تصمیم‌گیری در یک سطح قرار می‌دهد، به نوعی مؤید انعطاف این نظام در مقابل

تغییر در ساختارهای اجتماعی بوده و مورد تأیید است؛ اما در رویکرد دینی، دستیابی به کارکردهای خانواده متعادل، مستلزم وجود ساختار ویژه‌ای در خانواده است؛ ساختاری که بر اساس تفاوت نیازها و استعداد‌های افراد خانواده و به منظور نیل به سعادت حقیقی انسان از سوی آفریدگار طراحی شده لذا نه تنها تابعی از تغییرات اجتماعی نیست بلکه تغییر شرایط اجتماعی و هماهنگ ساختن سایر نظام‌های اجتماعی را برای تحقق یک خانواده سالم طلب می‌کند. متأسفانه توجه به ساختار اصیل دینی در کشور مغفول مانده است. به دیگر سخن، بشر برای گریز از بعضی ضعف‌های خانواده سنتی، ساختارهای خانواده مدرن را انتخاب کرده و درمان دردهایش را از آن طلب می‌کند در حالی که به اذعان بسیاری از اندیشمندان همین ساختارها، بحران خانواده در غرب را ایجاد کرده است. کاهش تمایل به تشکیل خانواده، عمر کوتاه ازدواج، روابط خارج از ازدواج و افزایش تعداد فرزندان نامشروع با پدرانی نامعلوم، افزایش تعداد خانواده‌های تک‌والدی و ناسازگاری و فاصله عاطفی فرزندان با والدین، نمونه‌هایی از نگرانی‌های جامعه مدرن درباره خانواده است. بنابراین بازنگری فعالانه و پویا در متون دینی برای اتخاذ ساختارهای اصیل خانواده، ضروری به نظر می‌رسد.

۹- نگاهی به آسیب‌های خانواده‌های معاصر

شکی نیست که خانواده امروز ایرانی با خانواده متعادلی که باید سنگ بنای یک جامعه سالم باشد، فاصله زیادی دارد. این خانواده، از یک سو هنوز گرفتار بعضی سنت‌های غلط گذشته مانند بی‌عدالتی و ظلم به زنان بوده و از سوی دیگر آموزه‌های مدرن مانند انکار تفاوت‌های جنسیتی، اختلاط نقش‌ها، فرد گرایی و اصالت لذت‌های دنیایی، سلامت، ثبات و حتی کیان خانواده را به خطر انداخته و آسیب‌های جدی اجتماعی به وجود آورده است، در حالیکه این موضوع چنان که بایسته است، به دغدغه اصلی اندیشمندان و مسئولان جامعه تبدیل نشده و عمده طرح‌ها و بودجه‌هایی که به نام خانواده تصویب می‌شود، عملاً در حوزه مسائل زنان قرار می‌گیرد؛ و این در حالی است که سلامت خانواده شرط لازم برای آسایش و سلامت زنان است و با هدف گیری آن، تعالی کل جامعه نیز حاصل می‌شود؛ لذا آسیب شناسی این نهاد باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. برای این مهم، ابتدا باید تعریفی از خانواده متعادل، منطبق با آرمانها و آموزه‌های اسلامی ارائه کرد تا بر اساس آن، میزان و جهت انحراف نهاد خانواده امروز ایرانی مشخص شده و برنامه ریزی‌های لازم برای آسیب زدایی از آن به عمل آید. برای تعریف خانواده متعادل، دو بعد کارکردها و ساختار خانواده را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۳).

۱۰- آسیب شناسی خانواده ایرانی

بحث آسیب زمانی برای یک نهاد مطرح می‌شود که نتواند کارکردهای مورد انتظار را محقق کند یا در آستانه انحلال قرار گیرد، به همین دلیل در ادامه به بررسی عوامل ایجاد اخلال و ضعف در کارکردها و نیز عناصر زمینه ساز فروپاشی نهاد خانواده می‌پردازیم. بر همین اساس ابتدا ضعف‌های کارکردی خانواده را بر اساس آنچه از کارکردهای حداقلی و حداکثری خانواده در دست داریم، بر می‌شمریم: افزایش آمار طلاق، به عنوان مغبوض ترین حلال الهی و کاهش درخواست برای ازدواج و افزایش سن ازدواج نشان می‌دهد نهاد خانواده به هر دلیل نتوانسته احساس رضایتمندی را در زوجین ایجاد کند یا بر مطلوبیت آزادی‌های فردی و کسب موفقیت‌های اجتماعی و شغلی، غلبه کند. آمار بالای زنان متقاضی طلاق نسبت به گذشته نشان می‌دهد میزان رضایتمندی زنان از زندگی در نهاد خانواده بیش از مردان کاهش یافته است. شیوع طلاق عاطفی بین زوجین که به عنوان یک آسیب جدی از سوی کارشناسان مطرح می‌شود، از فقدان ارضای نیازهای عاطفی و روانی زوجین در کانون خانواده، حکایت دارد در حالی که بر اساس آموزه‌های دین، باید سکونت و آرامش و مودت و رحمت بر این فضا حاکم باشد. به گفته کارشناسان، بسیاری از طلاق‌ها به دلیل مشکلات در روابط جنسی رخ می‌دهد حتی اگر زوجین، این علت اصلی را پنهان نگاه دارند. بنابراین یکی از اصلی‌ترین کارکردهای نهاد خانواده برای زن و مرد دچار ضعف می‌باشد. نزدیک به ۴۰ درصد زنان از اختلالات جنسی در روابط زناشویی رنج می‌برند و آمار اختلالات جنسی در حدود ۹/۸ درصد است. اختلاط نقش‌ها در خانواده باعث شده بسیاری از وظایف پدری، شوهری، مادری و همسری معطل بماند و زوجین نتوانند به خوبی از عهده ایفای نقش طرف مقابلشان برآیند. مردان در خانواده از احترام و قدرت عمل برخوردار نبوده و جایگاه ضعیفشان آنها را نسبت به وظایفشان دلسرد می‌کند. زنان با نیل به جایگاهی برابر با مردان مجبورند باری بیش از توانشان به دوش بکشند و نباید مانند گذشته

انتظار حمایت همه جانبه از همسرشان داشته باشند. خانواده که اولین و مهمترین نهاد برای تولد و پرورش فرزندان محسوب می‌شود، در امر تربیت و انتقال ارزشها و برقراری رابطه سالم و مؤثر با نسل بعدی دچار مشکلات متعددی شده است. گسست نسلها، به عنوان یک معضل جهانی، از سوی برخی کارشناسان داخلی به عنوان مشکل پیش روی جامعه و خانواده ایرانی مطرح می‌شود. از یک سو ارزشهای والدین به دلیل تغییرات عمیق در نظام ارزشی و اجتماعی برای فرزندان قابل پذیرش نیست و از سوی دیگر شیوه کارآمدی برای انتقال ارزشها از سوی والدین اتخاذ نمی‌شود. آن‌ها از بودن در کنار یکدیگر لذت نمی‌برند. فرزندان به والدین احترام نمی‌گذارند و آنان را به عنوان راهنما و کنترل کننده در زندگی نمی‌پذیرند. در گذشته خانواده‌ها به ویژه زوج‌های جوان از حمایت خویشاوندان در کلیه مراحل زندگی و مشکلات احتمالی مانند نیازهای مالی یا اختلافات خانوادگی، برخوردار بودند. هر چند این حمایت‌ها گاه رنگ دخالت به خود می‌گرفت و محل زندگی می‌شد اما در بسیاری موارد به استحکام خانواده و ارضای نیازهای عاطفی می‌انجامید. امروز خانواده‌ها هیچ کس را در حریم خصوصی زندگی‌شان وارد نمی‌کنند و به دنبال منابع دیگری برای پر کردن این خلاء حمایتی هستند که کارآمدی لازم را ندارد.

۱۱- رابطه مشارکت سیاسی زنان با مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی آنها

بدیهی است هرچه میزان مشارکت سیاسی و سطح تحصیلات و آگاهی بانوان در یک جامعه بالاتر باشد، تحرک اجتماعی آنها بیشتر و در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی آنها نیز گسترده‌تر و مؤثرتر خواهد بود. لذا مشارکت سیاسی زنان با مشارکت‌های اقتصادی- اجتماعی آنها رابطه‌ای مستقیم دارد.

به طور کلی مشارکت سیاسی زنان مسلمان ایران را در چند زمینه می‌توان تحلیل کرد:

مشارکت در فرایند انقلاب اسلامی: حضور گسترده زنان در روند پیروزی انقلاب، تأثیری شگرف داشت و علی‌رغم سالها کوشش و تلاش دستگاه‌های تبلیغاتی و وجود سنت‌های متحجرانه، که در هیأت وفاداری به اسلام ظاهر شده بود، بانوان چنان به صحنه آمدند که از سوی لقب گرفتند، و وجود مؤثر بانوان در آن به عنوان یکی «انقلاب چادرها» خبرگزاری‌ها و ناظران و تحلیلگران بین‌المللی انقلاب اسلامی، بعضاً به از ویژگی‌های انقلاب ایران شمرده شد. امام خمینی، نیز نه تنها مشارکت زنان را واجب و لازم شمردند، بلکه در مناسبت‌های گوناگون، از این حضور گسترده و عظیم تجلیل و ستایش کردند. از جمله فعالیت‌های زنان در این زمینه: الف) شرکت در تظاهرات و تجمع‌های ضد حکومتی و اعتراضات. ب) پناه دادن به مبارزان و رزمندگان انقلابی. ج) ترغیب خانواده در جهت فعالیتهای انقلابی.

۱۲- مدیریت زن در سامان دهی مقوله اقتصاد و فرهنگ

در مدیریت زن باید با کارکردن بیشتر از اعضای خانواده و مسئولیت پذیری آنان شکل بگیرد؛ البته مسئولان هم باید این گونه زندگی کنند. باز هم نباید اولویت‌های فرهنگی را فراموش کنیم. و وقتی می‌خواهیم یک وسیله فرهنگی بخریم، غیر از بودجه لازم، این را بسنجیم که آیا از نظر تحصیلی به نفع روند آموزشی و تربیتی بچه‌هایمان است یا نه؛ یعنی همیشه فرهنگ، پیوسته به تکنولوژی است و اگر این توجه انجام نشود، طبعاً این فرهنگ است که دست نشانده اقتصاد می‌شود. امکانات جدید دیجیتالی کمک می‌کند که پیام‌های فرهنگی سریعاً منتقل شود. اگر پیوست فرهنگی ابزاری که به کار می‌گیریم، نبینیم و طراحی نکنیم، شاهد بالندگی فرهنگی نخواهیم بود و مسلماً زنان با نقش محوری خود در خانواده، تأثیر مهمی در تغییرهای فرهنگی که از کانون خانواده شروع می‌شود، دارند. مسئولان نیز باید با تعقل بیشتری به مقوله فرهنگ در تصویب و اجرای قانون‌ها بپردازند؛ خلاصه آن که خیلی تقلیدهای بی‌رویه و بدون استدلال در زندگی فردی و خانوادگی ما کمتر شود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

آسیب شناسی فرهنگی- اجتماعی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. آسیب‌هایی این چنین، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسائل روئینایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد و آسیب‌های فرهنگی تضعیف و آسیب پذیر می‌گردانند. نوجوانی و جوانی یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می‌شود و آخرین مرحله تحول

شناختی و گذار از مرحله «پیرو دیگرانبودن» به دوره «مستقل بودن» است؛ دوره‌ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می‌یابد. نوجوان با خود می‌گوید: «اکنون من دیگر کودک نیستم، یک بزرگ سالم.» امرزه با توجه به وجود ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف، می‌توان به نقش امنیت فرهنگی در رسیدن آنان به سلامت افراد و جامعه پی برد. آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند یک جامعه را به طور کلی نابود سازند، از طرف دیگر در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از این گونه آسیب‌ها وجود دارند، پس وظیفه هر شهروندی این است که در کاهش و یا نابودی این گونه آسیب‌ها همت گمارد. علاوه بر شهروندان، سازمان‌ها نیز وظیفه جدی در مدیریت این آسیب‌ها دارند. امنیت فرهنگی و آسیب اجتماعی دو واژه‌ای هستند که دارای ارتباط مستقیم با یکدیگر است. انسان به طور ذاتی و ساختاری خویشتن را دوست داشته و محترم می‌شمارد و نیز دوست دارد، مورد احترام دیگران قرار گرفته و در فرهنگ عمومی جامعه به عنوان فردی محبوب و با صفات خوب شناخته شود. از طرف دیگر همگی می‌دانیم آدمی دارای دو هویت فردی و جمعی است که بر اساس آن علاوه بر حب ذات، دیگران را نیز دوست داشته و تمایل به برقراری ارتباطات اجتماعی با مردم دارد. هدف از نگارش این مقاله بررسی آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن، روش مطالعه به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. در راستای احترام متقابل، تبلور، توسعه و شکوفایی خصلت‌های ذاتی انسان است. نکته قابل توجه در رابطه با احترام متقابل این است که نباید به تلاش فردی در این خصوص قناعت و اکتفا شود، بلکه برای تحقق کاهش فاصله اجتماعی بین گروه‌ها و افزایش ارتباطات، مناسبات و علایق و وفاق اجتماعی باید تلاش شود که احترام متقابل بصورت همه جانبه و فراگیر درآمده و تبدیل به فرهنگ عمومی شود، آنچه که مسلم است این است که جوامعی که به نظام تعلیم و تربیت به عنوان عامل بازدارندگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی توجه دارند موفقیت مطلوب‌تری را کسب نموده‌اند. در این مرحله، دیگر والدین نمی‌توانند به او کمک چندانی بکنند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جستجو می‌کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی ترین حالات روانی دوره نوجوانی و جوانی است. نوجوان و جوانی که دوره کودکی را پشت سرگذارده، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویشتن که زنان یا مادران نقش اساسی می‌توانند در این زمینه ایفا کنند است. اگر بزرگ سالان ویژگی‌های این دوره زندگی او را بشناسند و با آنان برخوردی مناسب داشته باشند، هم نوجوانان به هویت خویش دست می‌یابند و هم بزرگ سالان یا مادران کمتر احساس نگرانی می‌کنند. از این رو، می‌توان گفت: بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی‌های اولیه زندگی دارد. بنابراین، هر رفتاری که از آدمی سر می‌زند، نشئت گرفته و متأثر از مجموعه‌ای از عوامل است که هرگز نمی‌توان نوجوان و یا جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی دانست و دیگران را بی‌گناه. با نگاه فوق، اساساً زمینه پیدایش جرم از بین می‌رود. از این رو، در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به‌عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه می‌باشد. در ادامه پیشنهادهای زیر شاید تلاشی در جهت زنده کردن فرهنگ و مدیریت با توجه به نقش زنان باشد که به طور خلاصه و موجز به آن اشاره شده است کارساز باشد:

- ۱- تجدید نظر در هرم مدیریتی و کارشناسی دست اندرکاران زنان در وزارتخانه با توجه به تعداد زنان از یک سو و تعداد کارشناسان و مدیران زن از سوی دیگر و حمایت سازمانی از نظر تشکیلات، بودجه.
- ۲- طراحی پروژه‌های نوین و متناسب با نیازهای امروزه زنان روستایی و با ملاحظات روحیه کنونی همکاران جهادی.
- ۳- ترتیب بازدیدها و حضور در میان زنان شاغلین در وزارتخانه و مسئولین سایر وزارتخانه‌ها به منظور آشنایی بیشتر و جلب نظر نسبت به مخاطبین.
- ۴- سازماندهی و برگزاری اردوهای سازندگی همکاران به همراه همسران و فرزندان‌شان جهت کمک به مناطق محروم و انتقال فرهنگ جهادی به نسل‌های بعدی.
- ۵- جذب و اعزام زنان داوطلب به مناطق محروم همراه با نیروهای جهادی پرسابقه.

منابع

۱. امام خمینی، ۱۳۶۲، راه امام از کلام امام، وزارت ارشاد اسلامی.

۲. امام خمینی، ۱۳۶۳، در جستجوی راه از کلام امام، تهران، امیرکبیر.
۳. امام خمینی، ۱۳۷۶، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
۴. تاجیک اسماعیلی، عزیزاله، تعادل و استهکام خانواده، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶.
۵. شرفی، محمدرضا، خانواده متعادل، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶.
۶. فلدهان، شانتی، فقط زنان بخوانند، ترجمه آزاده سخایی منش، انتشارات ارمغان، چاپ هشتم، ۱۳۹۲.
۷. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، انتشارات امیری، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
۸. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۵، انقلاب برای زنان، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، شماره ۳۲.
۹. کردوانی، پرویز، نقش زنان در کاهش آلودگی محیط زیست، افزایش جمعیت، مجله زن، ص ۱۷۳.
۱۰. کاظمی، سید علی اصغر، ۱۳۷۶، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، قومس، تهران.